

قدرت‌های نو ظهور اقتصادی (BRICs)

و اقتصاد سیاسی جهانی

www.ketab.ir

حسن آرایش

الهه سادات بزاز زاده

سید محمدرضا بزاز زاده

سرشناسه	: آرایش، حسن، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام	: قدرتهای نوظهور اقتصادی (BRICS) و اقتصاد سیاسی جهانی/حسن آرایش،
پدیدآور	: الهه سادات بزاززاده، سیدمحمد رضا بزاززاده.
مشخصات نشر	: قم: انتشارات آیین محمود، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۶۲-۵۹-۵
موضوع	: جغرافیای اقتصادی -- کشورهای پیشرفته صنعتی، -- Economic geography
موضوع	: کشورهای بریک، BRIC countries
موضوع	: کشورهای بریک -- اوضاع اقتصادی، BRIC countries -- Economic conditions
موضوع	: کشورهای بریک -- روابط خارجی، BRIC countries -- Foreign relations
شناسه افزودن	: بزاززاده، الهه سادات، ۱۳۶۷ - بزاززاده، سیدمحمد رضا، ۱۳۶۴
رده بندی کنگره	: HC۵۹۷/۲۴ ق ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	: ۳۳۸/۵۰۱۷۲۲
کتابشناسی ملی	: ۴۳۸۲۱۵



عنوان: قدرتهای نوظهور اقتصادی (BRICS) و اقتصاد سیاسی جهانی

مؤلفان: حسن آرایش، الهه سادات بزاززاده، سیدمحمد رضا بزاززاده

سال و نوبت چاپ: ۱۳۹۵ - چاپ اول

ناشر: آیین محمود

صفحه آوا: محمدباقر مهرآبادی

صحافی: مردانی

ناظر فنی: محمد رضا شجاعی

شماره کتابشنای ملی: ۴۳۸۲۲۱۵

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ هزار

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۲۵۱۲۸۳۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۶۲-۵۹-۵

آدرس: قم، ۴۵ متری صدوق، ک ۵۶، پ ۱۱ انتشارات آیین محمود، تلفن: ۰۲۵۳۲۹۲۸۰۵۱

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
----	----------

فصل اول: چارچوب نظری

۱۹	مقدمه
۲۱	نو واقع گرایی
۲۵	کنت و
۲۶	سطح تحلیل
۲۸	قدرت اقتصادی
۳۰	ثبات همومونیک
۳۴	افول همومونی
۳۹	واقع گرایی نئو کلاسیک
۵۲	جمع بندی

فصل دوم: پیچ سازمان بریکس

۵۷	مقدمه
۵۹	اجلاس های بریکس
۶۰	۱- اجلاس یکتاترینورگ
۶۰	۲- اجلاس برازیلیا
۶۱	۳- اجلاس مانیا
۶۲	۴- اجلاس دهلی نو
۶۴	۵- اجلاس دوربان
۶۴	۶- اجلاس آینده فورتالزا
۶۵	کنفرانس رقابت بین المللی ICC
۶۶	جمع بندی

فصل سوم: کشورهای بریکس

۷۱	مقدمه
۷۲	روسیه
۷۴	۱- سیاست خارجی روسیه
۷۷	۲- روسیه و رابطه با اتحادیه اروپا
۷۹	چین
۸۲	۱- سیاست خارجی چین

۸۴	۲- روابط چین با آمریکا، هژمون رو به افول.....
۹۰	۳- روابط چین و اتحادیه اروپا در عرصه بین الملل.....
۹۱	۴- چین و رابطه با روسیه.....
۹۲	۵- روابط چین با ژاپن، دو دشمن قدیمی.....
۹۳	هند.....
۹۴	۱- سیاست خارجی هند.....
۹۵	۲- روابط هند و آمریکا.....
۹۹	روابط هند با چین، رقیب منطقه‌ای و متحد جهانی.....
۱۰۴	روابط هند با روسیه.....
۱۰۶	برزیل.....
۱۰۹	آفریقای جنوبی.....
۱۱۱	۱- سیاست خارجی آفریقای جنوبی.....
۱۱۴	۲- آفریقای جنوبی و منطقه با چین.....
۱۱۶	۳- آفریقای جنوبی و روابطش با آمریکا.....
۱۱۷	جمع‌بندی.....

فصل چهارم: بریکس و نهادهای بین‌المللی

۱۲۱	مقدمه.....
۱۲۲	بریکس و نهاد امنیتی شورای امنیت سازمان ملل متحد.....
۱۲۵	بریکس و نهادهای تجاری جهان.....
۱۳۱	بریکس و نهادهای مالی جهان.....
۱۳۱	۱- صندوق بین‌المللی پول.....
۱۳۳	۲- بانک جهانی (WB).....
۱۳۵	بریکس و تلاش برای ایجاد نهادی موازی مالی و پولی.....
۱۳۷	جمع‌بندی.....

فصل پنجم: وضعیت اقتصادی بریکس؛ شاخص‌ها و داده‌ها

۱۴۱	مقدمه.....
۱۴۳	شاخص توسعه انسانی بریکس.....
۱۴۶	منابع طبیعی بریکس.....
۱۴۷	انرژی بریکس.....
۱۵۰	۱- روسیه و انرژی.....
۱۵۳	۲- چین و انرژی.....
۱۵۶	۳- هند و انرژی.....

۱۶۰	۴- برزیل و انرژی
۱۶۰	۵- آفریقای جنوبی و انرژی
۱۶۲	تولید ناخالص داخلی بریکس
۱۶۵	سهم بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات از تولید ناخالص داخلی
۱۶۶	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۱۷۰	مبادلات تجاری بریکس
۱۷۵	مهم‌ترین شرکان تجاری اعضای بریکس
۱۷۸	نرخ رشد اقتصادی بریکس
۱۸۲	جمع‌بندی

فصل ششم: چشم‌انداز اقتصاد جهانی و جایگاه بریکس در ۵۰ سال آینده

۱۸۶	مقدمه
۱۸۸	آینده جمعیتی بریکس
۱۹۲	آینده توسعه انسانی بریکس
۱۹۳	آینده تولید ناخالص داخلی
۱۹۷	چشم‌انداز انرژی بریکس
۲۰۵	قدرت ملی کشورهای بریکس در دهه‌های آینده
۲۱۰	پیش‌پسوی چندجانبه‌گرایی در جهان آینده
۲۱۶	۱- توسعه دولت‌ها
۲۱۶	۲- جهت‌گیری‌های سیاسی دولت آمریکا
۲۱۷	۳- جهانی‌شدن
۲۱۹	نتیجه‌گیری

منابع و مآخذ

۲۲۹	کتاب‌های فارسی
۲۲۹	مقالات فارسی
۲۳۰	منابع انگلیسی
۲۳۲	سایت‌های اینترنتی

پیشگفتار

عرصه تحلیل سیاست خارجی کشورها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه یکی از مهم ترین حوزه های پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین الملل است. پژوهشگران با اتکا به روش شناسی های گوناگون و با استفاده از نظریات مختلف به تحلیل رفتار دولت ها در عرصه بین الملل می پردازند که در این پژوهش لازم دیده شد تا با بیان دلایل پیشرفت های برخی از قدرت های نوظهور، راهکارهایی برای پیشرفت و جدا شدن کشورهای در حال توسعه از وابستگی و یا شبه وابستگی ارائه شود تا جهان از حالت تک روی و یک بعدی بودن غرب و وابستگان آن خارج شود و شاهد روزافزونی چندجانبه گرایی عرصه بین المللی باشیم. از مهم ترین گزاره های این قدرت های نوظهور را می توان یکپارچگی و نیازهای مشترک و اهداف یکسان و دیدگاه های مشابه آن ها در مقابل تک روی های غرب در جهان امروز محرز دانست.

کشورهای عضو گروه اقتصادی بریکس (برزیل، هند، روسیه و چین) در «سانیا چین» دور هم جمع شدند، برای یادآوری این حقیقت که کشورهایی هستند که می‌توانند دور هم جمع شوند و البته به جهانیان نشان دهند که نه شرقی صرف و نه وابسته و دل‌بسته به غرب می‌شود پیشرفت کرد و با عضویت آفریقای جنوبی در میان کشورهای گروه بریکس خواهان اثبات این قضیه هستند که قارهٔ سیاه به‌رغم همه محدودیت‌ها نقش مهمی را در اقتصاد جهانی ایفا می‌کند. جهان در حالی رشد اقتصادی کشورهای بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) را تجربه می‌کند که چین و هند با رشدی فوق‌العاده در سال‌های اخیر سبقت گرفتن از سایر اعضا هستند؛ اما در این بین عضویت آفریقای جنوبی در مجموع کشورهای بریکس تحول مهمی است که از اهمیت زیادی برخوردار است و در جواب این سوال می‌توان به گونه‌ای توصیف کرد که در میان کشورهای قاره سیاه، آفریقای جنوبی از اقتصادی پشیمانه، با منابع مالی، سیستم بانکی منظم، قوانین باثبات و حکومتی دموکراتیک برخوردار است. از همه مهم‌تر آن که یکی از بزرگ‌ترین کشورهای سرمایه‌گذار در قاره اروپا است. آفریقای جنوبی برای سایر کشورهای عضو، شاهرهای به حساب می‌آید که امکان دسترسی و سرمایه‌گذاری در دیگر کشورهای قاره سیاه را افزایش می‌دهد؛ امتیازی که نمی‌توان به‌سادگی از آن چشم پوشید. همچنین ورود آفریقای جنوبی به بریکس موجب می‌شود تا یک نظام چندمحوری بین‌المللی شکل گیرد و نظام مالی بریکس را در سطح بین‌المللی اصلاح کرده و فضای مناسب‌تری در سطح جهان ایجاد می‌کند و دامنه جغرافیایی بریکس را گسترش خواهد داد.

حضور آفریقای جنوبی در میان کشورهای بریکس بدان معناست که امروز قاره سیاه به‌رغم همه محدودیت‌ها و فقر مطلق که بر آن حاکم است، نقش مهمی را در اقتصاد و بازار جهانی ایفا می‌کند. حال که هر پنج کشور جمعیت بسیار زیادی دارند و سهم عمده‌ای از تولیدات جهانی را به دست گرفته‌اند و قدرت اقتصادی آن‌ها در جهان کنونی قدرت و نفوذ سیاسی را برایشان به دنبال آورده است، جهان غرب باید خود را آماده مقابله با جبهه جدیدی کند که تا چندی پیش آن را نادیده می‌گرفت. در مقابل کشورهای نوظهور سعی می‌کنند تا با حداکثر همکاری در زمینه‌های سیاسی، راهبردی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و فنی به یک قدرت جدید برای مقابله با فشار قدرت‌های بزرگ اقتصادی در راستای تضمین

منافع خود و کشورهای هم‌پیمان تبدیل شوند. گروه بریکس می‌خواهد در رهبری جهان سهم عمده‌ای داشته باشد؛ به همین منظور تلاش خود را دوجندان می‌کند تا یکی از سنت‌های جاافتاده در مدیریت نهادهای اقتصاد جهانی به‌ویژه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که در موقعیت انحصاری غرب در ریاست بر این نهادها از زمان شکل‌گیری آنها تاکنون بوده را کنار زنند. این سنت از زمان شکل‌گیری این نهادها در دوره پس از جنگ دوم جهانی تا سال‌های اخیر منتقدان چندانی نیز نداشته است، زیرا غرب از موقعیتی بلامنازع در اقتصاد جهانی برخوردار بود و اساساً این غربی‌ها و آمریکایی‌ها بودند که در کنفرانس برتن وودز این نهادها را طراحی و تأسیس کردند. این سنت جاافتاده متأثر از دگرگونی‌هایی که در سال‌های اخیر در چیش بازیگران در اقتصاد جهانی رخ داده، با پرسش‌ها و اما و اگرهای زیادی به‌خصوص پس از بحران مالی ۲۰۰۸ مواجه شده است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه و در رأس آنها گروه موسوم به بریکس از منتقدان اصلی روش انتخاب مدیران نهادهای بین‌المللی و تسلط غرب بر این نهادها هستند. این کشورها معتقدند که توزیع قدرت در اقتصاد جهانی در سال‌های اخیر به سرعت تغییر کرده و کشورهای در حال توسعه به موتور اقتصاد جهانی تبدیل شده‌اند، درحالی‌که این تغییرات در نهادهای بین‌المللی و به‌ویژه نهادهای برتن وودز انعکاس نیافته است. این مناظرات میان کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه بر سر انتخاب رئیس جدید صندوق بین‌المللی پول شدت گرفته است و کشورهای در حال توسعه معتقدند که سنت کهنه ریاست یک اروپایی بر این نهاد باید منسوخ شود و انتخاب رئیس این نهاد بر اساس شایستگی و نه به اروپایی بودن آن صورت گیرد. درحالی‌که اروپایی‌ها تلاش می‌کنند تا از این را دارند. به همین منظور برخلاف دوره‌های گذشته اولاً گروه موسوم به بریکس اعلامیه مشترکی منتشر ساخته و از این سنت انتقاد کرده‌اند. در اعلامیه این گروه آمده است که سنت انتخاب رئیس اجرایی صندوق بین‌المللی پول بر مبنای ملیت (اروپایی)، مشروعیت این نهاد را از بین می‌برد. این موضع‌گیری بی‌سابقه از سوی این گروه که مهم‌ترین قدرت‌های در حال ظهور در آن عضویت دارند، نشان‌دهنده شکاف میان کشورهای در حال توسعه و جهان توسعه‌یافته بر سر حکمرانی جهانی است؛ به گونه‌ای که شاهد تکثر مراکز قدرت و بلوک‌بندی‌های جدید در این عرصه هستیم و هر یک از این قدرت‌های

نوظهور می‌توانند اقدامات مستقل انجام دهند تا قدرت چانه‌زنی بیشتری در اقتصاد جهانی آینده داشته باشند. این امر به شکل طبیعی رهبری امریکا را نسبت به گذشته با مخاطرات بیشتری روبه‌رو خواهد ساخت. این در حالی است که دولتمردان کاخ سفید در چند دهه اخیر به دلیل یک‌جانبه‌گرایی و صرف هزینه‌های هنگفت نظامی و مالی در بسیاری از فناوری‌های نوین از رقبای سنتی خود مثل اروپا و ژاپن عقب مانده‌اند. ظهور قدرت‌های نوظهور همانند چین و هند با میانگین رشد ۸/۴ می‌تواند موقعیت هژمونیک امریکا را در عرصه اقتصاد جهانی بیش از گذشته با خطراتی مواجه سازد.

در حال حاضر سیاست‌گزاران آمریکایی به این نتیجه رسیده‌اند که دیگر نمی‌توانند کشورها را به همراهی با نظم جهانی تحت امر واشنگتن متقاعد کنند، چون قدرت‌های نوظهور جدید در جهان خود حریفی برای گفتن دارند و باید برای ایفای نقش آن‌ها اهمیت قائل شد. شرایط ژئوپلیتیکی فعلی همان در حال دگرگونی است و به نظر می‌رسد که جامعه جهانی خود را برای یک دنیا چندقطبی آماده کرده است و اکنون که توزیع ثروت و قدرت اقتصادی میان قطب‌های جهانی به سرعت در حال تغییر است، غرب پس از چند قرن پیشرفت و سلطه کامل بر اقتصاد جهانی، اکنون در حال واگذار کردن عرصه به رقبای خود است. از دلایل عمده این اتفاق:

- نمونه‌برداری کشورهای در حال توسعه از نیمه قرن بیستم در مناسبات پیشرفت غرب
- ترکیب روش‌های تولید و کار منظم و گسترده به مصرفه‌جویی در هزینه تولید، زمینه انباشت سرمایه
- امکان تولید بیشتر و هم‌نیاز و تقاضا برای مصرف کالاها بیشتر، بهتر و ارزان‌تر در کشورهای خود که شاید بزرگ‌ترین تحول در این راستا را باید اصلاحات اقتصادی سال ۱۹۷۸ در چین تلقی کرد.

به گفته لاوروف، اتحاد پنج کشور بزرگ (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) با سرعت رشد در بازارها و نمایش مشابه در مسائل جهانی، به عامل مهم جهانی تبدیل شده است و سهم قابل توجهی در اصلاح اقتصادی جهانی و امور مالی دارد به گونه‌ای که با یک بیانیه خواستار تغییرات گسترده‌تر در نظام مالی جهانی و سیاسی هستند و از اصلاح ساختارهای مالی جهان که در اجلاس عالی‌رتبه گروه ۲۰ مورد موافقت قرار گرفت،

حمایت می‌کنند. آن‌ها تأکید کردند که در این جریان باید تغییرات اوضاع اقتصادی جهان نمایان شده و کشورهای در حال رشد نمایندگان بیشتری داشته و نقش گسترده‌تری ایفا کنند و قدرت‌های اقتصادی نوظهور نیز در این راستا ایفای نقش فعالی را بر عهده داشته باشند. پیشرفت چشمگیر کشورهای بریک در سایه تلاش‌های مشترک آن‌ها و با اصلاح ساختار برخی نهادهای مالی - اقتصادی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی حاصل شده است و روند کار این گروه بر فائق آمدن بر بحران‌های جهانی شتاب خواهد بخشید. ایجاد یک نظام مالی دموکراتیک‌تر و عادلانه‌تر را تسهیل خواهد کرد؛ به گونه‌ای که برخلاف دهه ۱۹۳۰ امروزه بخش بسیار وسیعی از جمعیت جهان از انزوای خارج شده و نقش بسیار عادلانه‌تری را در تولید و مصرف کالاها و خدمات ایفا می‌کنند. پیوستن صدها میلیون نفر از مردمان چین، هند، برزیل و غیره به طبقات متوسط، امکانات عظیم تازه‌ای را در اختیار اقتصاد جهانی قرار داده و شرایط مساعدی را برای تداوم رشد جهانی ایجاد کرده‌اند. قدرت‌های نو ظهور در اقتصادهای تازه‌ای را به وجود آورده‌اند، ولی در همان حال، با پویایی شگفت‌سود، کشورهای پیشرفته صنعتی را نگران کرده‌اند. با توجه به گسترش بحران از آمریکا به اروپا و سپس به چین و هند و چین‌اندازهای نه‌چندان امیدوارکننده برای آن‌ها دست کم تا پایان سال ۲۰۰۹ میلادی، نگاه‌ها به ابرقدرت‌های اقتصادی دنیای در حال توسعه دوخته شده است. واقعیت این است که اقتصاد آن‌ها برخلاف همه مشکلات پیش آمده برای کشورهای پیشرفته جهانی رشد است و آگاهی کشورهای عضو برعکس به نیروی جدید خود، پدیده مهم و قابل توجهی در عرصه بین‌المللی است و این مورد خود باعث بارور شدن روزافزون بریکس خواهد شد. کشورهای بریکس باید ظرفیت‌های هنگفت بالقوه خود برای هماهنگی بهتر در مسائلی همچون اقتصاد جهانی، نظم جهانی مبتنی بر اصول دموکراتیک و مساوات و اصلاح نظام جهانی استفاده کنند، چون با همگرایی‌های ناشی از فرآیند جهانی‌شدن، فعل و انفعالات اقتصادی، از راه شبکه‌های درهم‌تنیده بازرگانی و مالی و پولی، به سرعت از کشوری به کشور دیگر و از قاره‌ای به قاره دیگر منتقل می‌شوند. رکود و بحران اقتصادی کنونی نیز از مرز یک کشور و یک منطقه فراتر می‌روند و اگر قطب‌های صنعتی جهان، از بیم رقابت قدرت‌های نوظهور، به سیاست‌های حمایتی و حفاظتی روی آورند و دروازه‌های خود را ببندند، خطر جنگ

اقتصادی همگانی شدت خواهد گرفت و مکانیسم‌های بین‌المللی برای مقابله با بحران، کارایی خود را از دست خواهند داد و در مقابل اگر قدرت‌های نوظهور نیز، با تأثیر گرفتن از قدرت‌های بزرگ صنعتی، از نفس بیفتند، بحران اقتصادی به‌احتمال فراوان عمیق‌تر، سخت‌تر و درازمدت‌تر خواهد شد.

واقعیت جهانی این است که سهم کشورهای بریکس در اقتصاد جهان ۱۸ درصد است و در جمعیت آن‌ها نیز نسبت به جمعیت کل جهانی رقم ۴۰ درصدی را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که هر یک از پنج کشور عضو این گروه واجد ضعف‌ها و مشکلاتی هستند که وضعیت کل گروه را خراب می‌کند، اما اوضاع در مجموع روشن است. ولی در این میان، نیروی محرک و دامنای روشن گروه بریکس را نباید به‌عنوان نیروی نابودکننده صاحبان سابق جهان تلقی و بی‌نیی نمود. اقتصاد چین و آمریکا، هند و آمریکا و روسیه و اروپا به‌قدری به هم پیوند خورده‌اند که نمی‌توان این پیوندها را بدون ویرانی اقتصاد آن‌ها از هم گسست؛ اما از سوی دیگر، افزایش توان و نفوذ قدرت‌های جدید باید در اسناد کاربردی بین‌المللی و ازجمله در اساسنامه صندوق بین‌المللی پول منعکس شود.

این که در چند دهه آینده وضعیت حاد بر روابط بین‌الملل به چه سویی حرکت خواهد کرد، یکی از سؤالات ضروری و مهم در آغاز قرن بیست و یکم می‌باشد. آیا قدرت‌های نوظهور موسوم به بریکس، قدرت هژمون آینده خواهد بود یا اینکه جهان به سمت چندقطبی شدن پیش می‌رود؟ این سؤالی است که با رویکرد اقتصاد سیاسی به آن پاسخ خواهیم داد. با بررسی توان اقتصادی بریکس در مقایسه با قدرت‌های برتر جهانی و چشم‌اندازی که برای چند دهه آینده جهان متصور می‌شوند، سعی خواهیم کرد که به این سؤال پاسخ دهیم؛ اما آنچه مسلم است، هژمونی آمریکا رو به پایان بوده و قدرت‌های نوظهور اقتصادی با پشتوانه سیاسی کشورهایی چون روسیه و چین، سهم بسیار بیشتری در مدیریت جهانی ایفا خواهند کرد.